

استراتژی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به سلب حق حیات

در ترور شهید محسن فخری زاده

(دانشمند هسته‌ای)

یاسر شادمانی^۱

چکیده

در حالی که راه‌کار جامعه بشری در مقابله با تروریسم دولتی، انعقاد کنوانسیون‌های متعدد با محوریت تروریسم است، اما ایالات متحده آمریکا و اسرائیل با مبادرت به جرایم بین‌المللی و اتخاذ راه‌کارهای غیرقانونی از جمله ترور، امنیت دولت‌های رقیب را نشانه گرفته و با اقدامات تروریستی، صلح و امنیت بین‌المللی را در معرض خطر قرار داده‌اند. ترور دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به‌خصوص ترور اخیر محسن فخری‌زاده (از دانشمندان نخبه کشورمان و مهره اصلی برنامه هسته‌ای ایران)، از جمله این اقدامات است که برخلاف ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر است و در قالب تروریسم دولتی آمریکا و اسرائیل تعریف می‌شود. اما آنچه در این میان قابل توجه است، عدم اراده جدی سازمان‌ها و دادگاه‌های بین‌المللی در راستای مبارزه عملی با تروریسم و سکوت مجامع بین‌المللی در مقابل جنایت‌های تروریستی آمریکا و رژیم صهیونیستی است که سبب مصونیت دول متخاصم گردیده و آن‌ها را برای ارتکاب اقدام‌های تروریستی گستاخ می‌کند. در این مقاله، نویسنده با بررسی حق

حیات و نهی سلب آن در اسلام و قواعد بین‌المللی، به این سؤال پاسخ می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در راستای محکومیت عاملان اصلی ترور شهید فخری‌زاده، بایستی چه راهبردی اتخاذ نماید؟ فرض اساسی این مقاله در پاسخ به سؤال اصلی، این است که طرح دعوی در دادگاه‌های بین‌المللی، اقدام متقابل، اشراف اطلاعاتی و مقابله با نفوذ در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، پیش‌گیری از جرایم پول‌شویی، اعمال کیفرهای مالی و تحریم کشورهای حامی تروریسم و ایجاد چالش در حرکت‌های تروریستی از طریق وسایل ارتباط جمعی، از مناسب‌ترین راه‌کارها در این خصوص است.

واژگان کلیدی: تروریسم، شهید فخری‌زاده، استراتژی جمهوری اسلامی ایران، مبارزه با تروریسم، حق حیات.



مقدمه

حق حیات به مفهوم حق بنیادی انسان برای زندگی، دامنه وسیعی در ادبیات قرآنی و حقوق بین‌الملل معاصر دارد. از آن جا که حقوق بشر منوط به زنده بودن بشر است، حق زندگی بر سایر حقوق الویت دارد، زیرا بدون حق حیات، سایر حقوق بدون کاربرد و بی‌ارزش هستند. در اسلام حق حیات حرمت بسیاری دارد و رعایت حرمت آن واجب است و به واسطه این حرمت، سلب حق حیات و محروم کردن انسان‌ها از این موهبت الهی، اگر به ناحق صورت پذیرد، نه تنها حرام است و مستحق کیفر، بلکه چنان شدید و عظیم است که گویی همه انسان‌ها از حیاتشان محروم شده‌اند و جنایتی علیه بشریت تلقی می‌شود. (باقری، ملک‌شاه، ۱۳۹۰: ۲)

اهمیت این موضوع آن‌چنان است که حتی در اسناد بین‌المللی عام حقوق بشر و نیز تجربه دادگاه‌های حقوق بشری، برخی مباحث نظری درباره موضوع حق حیات و سلب آن مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در این رابطه، نه تنها دولت‌ها از سلب حق حیات اشخاص منع شده‌اند، بلکه موظفند در درجه اول زمینه هرگونه نقض حقوق آن‌ها را از بین ببرند و حتی با پیش‌بینی قبلی برای رفع خطرهای جانی از آن‌ها اقدام کنند و در درجه دوم نیز به تعهدات مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که جزء حقوق مثبت هستند، توجه نموده و زمینه‌های بهره‌بردن افراد از آن حقوق را فراهم کنند. این نظریه تحت عنوان «تعهد مثبت برای حمایت از حقوق بنیادین»، در نظام بین‌المللی حقوق بشر مطرح است. ضمن این‌که اگر به هر یک از قواعد حقوق بشر به مثابه قاعده‌ای حقوقی بنگریم، باید تمایز امری یا تکمیلی بودن قواعد را در قبال آن قاعده اعمال کنیم. بدون تردید قواعد حقوق بنیادین بشر، در وهله اول قواعدی امری هستند که توافق برخلاف آن‌ها اعتباری ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند از نقض حقوق خود ابراز رضایت کند. (الموتی، جلالی، شوشتری، ۱۳۹۶: ۱۵۱)

این در حالی است که تروریسم دولتی و سازمان‌یافته آمریکا و اسرائیل با ترور هدفمند طبقات مختلف مردم، مسئولین و دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، زمینه سلب حق حیات را فراهم کرده و در آخرین مورد، با ترور شهید محسن فخری زاده به‌عنوان دانشمند هسته‌ای و مقام رسمی و دولتی، سبب نقض حقوق بشر و منشور ملل متحد گردیدند.

با توجه به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با بمب‌گذاری تروریستی که بر اساس آن، اقدام به استفاده از مواد منفجره در مکان عمومی، در قالب عملیات تروریستی قرار می‌گیرد و نیز استانداردهای دوگانه



کشورهای مدعی حقوق بشر که زمینه‌ساز گسترش جرایم تروریستی شده و نهادهای بین‌المللی به خصوص شورای امنیت که ابزاری برای مقابله با این تروریسم دولتی ندارند، این مقاله با عنایت به ترور محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای و مدیر ارشد جمهوری اسلامی ایران، تلاش دارد ضمن مفهوم‌شناسی حق حیات در قوانین اسلام و قاعده‌های حقوق بشری، به نقش آمریکا و اسرائیل در شکل‌گیری تروریسم دولتی و سلب حیات افراد اشاره کند و در پایان نیز به بیان راه‌کارهای جمهوری اسلامی در ابعاد حقوقی، امنیتی، رسانه‌ای و اقتصادی در جهت مقابله با تروریسم و اعاده حق خود در برابر این ترور بپردازد.

مفهوم‌شناسی

حق حیات

حق حیات، یکی از حقوق بنیادین و اساسی بشر است و به جرأت می‌توان گفت هیچ‌یک از حقوق و آزادی‌های بشر به اندازه این حق در اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد حمایت قرار نگرفته‌اند. دلیل این امر نیز روشن است، زیرا تمامی حقوق و آزادی‌های بشر، برای انسانی که حیات دارد، وضع شده‌اند و در صورتی که این موهبت از انسان سلب شود، سایر حقوق بشر مفهوم و معنایی نخواهند داشت.

در بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در مورد این حق آمده است: «حق حیات از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به موجب قانون حمایت شود. هیچ فردی را نمی‌توان به طور خودسرانه (بدون مجوز) از حیات محروم کرد. حق حیات بر اساس قانون به‌عنوان یک حق غیرقابل تعلیق به رسمیت شناخته شده و دولت‌ها حق ندارند به خاطر حفظ امنیت ملی یا دلایلی نظیر آن، حق حیات را محدود نمایند.» (سیدفاطمی، قیادی، ۱۳۹۷: ۵۷-۵۶)

بنابراین، حق حیات به‌عنوان نخستین حق از حقوق بنیادین بشر، هم در اسلام مورد توجه قرار گرفته و هم تقریباً در اسناد بین‌المللی عام حقوق بشری محل اتفاق است. اگرچه این حق در دو دیدگاه یادشده به رسمیت شناخته شده، اما به دلیل تفاوت در زمینه‌های وجودی معرفتی و مبانی نظری، تفاسیر مختلفی در این خصوص دیده می‌شود.

در مقایسه‌ای کوتاه بین مبانی اسلامی و غربی انسان‌شناسی، درمی‌یابیم که از نظر اسلام، حیات عطای خداوندی است و حق حیات برای همه انسان‌ها تضمین شده و جدا کردن هیچ روحی از بدن بدون مقتضی شرعی جایز نیست و حفظ ادامه حیات بشری تا آن‌جا که خدا بخواهد واجب است،



خواه محافظت هر فردی بر حیات خود در مقابل تعدی دیگران یا تعدی بر خویشتن (مانند انتحار) یا محافظت او درباره حیات دیگران باشد. در همین موضوع، از دیدگاه غرب نیز، هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد و احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد؛ لذا حق حیات شایسته، حق آزادی، حق امنیت، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت مجازات و هرگونه رفتار ظالمانه و ممنوعیت رفتار برخلاف شئون انسانیت (اهانت) در دو نظام حقوقی اسلامی و غربی محل تأکید است. (الموتی، جلالی، شوشتری، ۱۳۹۶: ۱۴۵-۱۴۴)

تروریسم

تعریفی که وزارت دفاع ایالات متحده در سال ۱۹۹۰م از تروریسم ارائه کرده، عبارت است از: «کاربرد غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دست‌یابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد.»

دانشنامه بریتانیکا نیز تروریسم را چنین تعریف می‌کند: «تروریسم عبارت است از کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دست‌یابی به یک هدف سیاسی.» (فیرچی، ظهیری: ۱۳۸۷، ۱۴۸)

بر اساس تعریفی که از تروریسم در المعجم الوسیط ارائه شده، «تروریست‌ها کسانی هستند که از طریق خشونت سعی در تحقق اهداف سیاسی خود دارند.»
نوام چامسکی نیز در تعریف تروریسم آورده است که: «تروریسم کاربرد ابزار زورگویانه برای هدف قراردادن مردم غیرنظامی در تلاش برای دست‌یابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا مانند آن است.» (مطلبی، آرایش، رحیمی، ۱۳۹۵: ۱۲۲)

تروریسم اصطلاحی است که گویای دخالت دولت یا دولت‌ها در امور داخلی یا خارجی دولتی دیگر با هدف هراس افکنی از راه اجرا یا مشارکت در کارهای تروریستی یا پشتیبانی از عملیات نظامی به‌منظور از میان برداشتن، تضعیف و براندازی دولت دیگر یا دستگاه رهبری آن است. «اعطای کمک‌های مادی (نظامی) و معنوی (پشتیبانی سیاسی) به گروه‌های مخالف و مشارکت در عملیاتی چون بمب‌گذاری، مین‌گذاری در بندرها و سواحل، آدم‌کشی، حذف بلندپایگان کشورها، هواپیما دزدی و ترور»، نمونه‌هایی از این قبیل هستند. (سمیعی، سالکی، ۱۳۹۴: ۷۳)



پیشینه ترور در ایران

از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی و برهم خوردن معادلات غربی، ایران آماج کینه و خصومت سلطه غرب و عمال وابسته به آن‌ها و قربانی حوادث تروریستی متعددی بوده است. نهاد موسوم به سازمان مجاهدین که بعدها به «منافقین» مشهور شد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با ادعای پوچ سهم خواهی، به مخالفت با جمهوری اسلامی پرداخت و با ترور ناکام رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، ترور آیت‌الله بهشتی و شهادت ۷۲ تن از نمایندگان مجلس، دولت مردان و سیاست‌مداران در یک بمب‌گذاری در سال ۱۳۶۰ و سپس ترور و شهادت رئیس‌جمهور، شهید رجایی و نخست‌وزیر، شهید باهنر در ۸ شهریور همان سال و ...، موجی از نفرت و انزجار را بر ضد اقدامات ددمنشانه گروهک‌های تروریستی ایجاد کرد. تروریسم در ایران پدیده‌ای بدون مرز بوده که تمام آحاد ملت را در بر گرفته است.

از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون، بیش از ۱۷ هزار ایرانی قربانی ترور شده‌اند. ترور و به شهادت رساندن شخصیت‌های تراز اول کشور در نخستین ماه‌ها و سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حمله موشکی به هواپیمای مسافربری، حمله تروریستی به نیروهای مرزبانی، حمله تروریستی علیه مردم در حاشیه مراسم رژه هفته دفاع مقدس، حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی، ترور سردار قاسم سلیمانی و شهید محسن فخری‌زاده و ...، نمونه‌هایی هستند که ۳۵ گروه تروریستی، در به شهادت رساندن این تعداد ایرانی نقش داشته‌اند و سهم گروه تروریستی منافقین از این تعداد، بیش از ۱۲ هزار شهید و به عبارتی، ۷۰ درصد قربانیان ترور بوده است.

نقش مستقیم دولت آمریکا در اقدامات تروریستی در جهان از جمله علیه کشورمان ایران نظیر حمله ناو جنگی «وینسنس» آمریکا به هواپیمای مسافربری ایرباس جمهوری اسلامی در ۱۲ تیر ماه سال ۱۳۶۷ و صدور مستقیم فرمان تروریستی از جانب آمریکا در قضیه شهادت سپهبد شهید قاسم سلیمانی، بخشی از تروریسم دولتی آمریکا است که می‌توان از آن تحت عنوان «تروریسم هوایی» یاد

کرد. (<https://www.ima.ir/news/83896182>)

بر اساس اسناد و مدارک موجود، دولت آمریکا سعی کرده با نزدیک شدن به منافقین و حمایت از فعالیت‌های تروریستی این سازمان، طرح‌های خود علیه نظام جمهوری اسلامی را جامه عمل بپوشاند. متعاقب این طرح آمریکا، خبرگزاری فرانسه در سال ۱۳۶۶ از واشنگتن گزارش داد که دولت آمریکا با



سازمان مجاهدین خلق (منافقین) دارای تماس هایی است. بنابر گزارش روزنامه لوموند در ۲۴ آوریل ۱۹۸۷، ریچارد مورفی، معاون وزیر خارجه وقت آمریکا در امور خاورمیانه نیز در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان کنگره آمریکا این تماس ها را تأیید کرد. بی بی سی نیز طی گزارشی با تأیید خبر ارتباط مقامات آمریکا با منافقین گفت: «وزارت خارجه آمریکا تأیید کرد که با سازمان مجاهدین خلق ارتباط و تماس داشته است.» چارلز ردمن، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، هدف از این ملاقات ها را کسب اطلاع از اوضاع ایران اعلام کرد. اسناد و مدارک بعدی فاش شده از ارتباط آمریکا با منافقین، نشان از حمایت آمریکا از ترورهای این سازمان در دهه ۶۰ دارد. یکی از اسناد فوق، نوارهای فیلم برداری شده از ملاقات ها و مذاکرات فوق سری رجوی با مقامات اطلاعاتی و امنیتی رژیم بعث عراق است. مسعود رجوی در یکی از این ملاقات ها صریحاً از ارتباط سازمان منافقین با کاخ سفید در عملیات های تروریستی دهه شصت پرده برداشت.

در ادامه این روند، امریکایی ها برای تکمیل پازل خود در حمایت از سازمان های تروریستی، در اقدامی دیگر همراه با رژیم صهیونیستی و منافقین، ترور دانشمندان هسته ای جمهوری اسلامی ایران را آغاز کردند. در این رابطه، پایگاه خبری وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی در دی ماه ۱۳۸۹ با اشاره به عملیات های تروریستی در ایران و ردپای آمریکا در این عملیات ها می نویسد: «سوء قصد به جان دانشمندان هسته ای ایران، بخشی از برنامه های آمریکا، انگلیس و اسرائیل با هدف جلوگیری از رسیدن ایران به بمب اتمی بوده است.»

بعد از ترور شهید شهریار، فیل جردلی، افسر سابق سازمان مرکزی اطلاعات (سیا) و بخش اطلاعات ارتش آمریکا، طی یادداشتی در پایگاه خبری آی آر آی سنتر اعتراف کرد که سازمان های جاسوسی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی با همکاری گروهک منافقین در روز ۲۸ نوامبر سال ۲۰۱۰ (۸ آذر ۱۳۸۹)، اقدام به ترور دانشمند هسته ای ایران کردند. مجله تایمز نیز بعد از شهادت شهید احمدی روشن، در مقاله ای نوشت: «غرب به پرچم داری آمریکا، یک تلاش پنهان گسترده را برای مجبور کردن ایران به عقب نشینی از برنامه هسته ای اش در پیش گرفته است.» (خدا بخش، ۱۳۹۱)

البته دولت آمریکا و رژیم اسرائیل در برابر این قتل های هدفمند علیه جمهوری اسلامی ایران، مدعی هستند که آن ها در وضعیت جنگی با تروریسم قرار دارند و از این رو توسل به زور علیه تروریست ها را بر اساس مقررات حقوق بین الملل، بشردوستانه توجیه می کنند، اما تعداد قابل توجهی از دولت ها و



همچنین اکثریت زیادی از حقوق‌دانان با این تفسیر مخالفند. این گروه معتقدند که سیاست‌ها و اقدامات ضدتروریستی در چارچوب قواعد دوران جنگ قرار نمی‌گیرند و می‌بایست از سازوکارهای حقوق کیفری برای مبارزه با تروریسم استفاده کرد. همان‌گونه که ایالات متحده آمریکا در قضیه بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳ نیز بدین منوال عمل کرد.

دلیل دیگر مخالفان مشروعیت «ترور هدفمند» آن است که حتی اگر مقابله با تروریست‌ها را جنگ بدانیم، هم‌چنان مقررات «حقوق بین‌الملل بشر» در خصوص چگونگی رفتار با تروریست‌ها حاکم خواهد بود. این حقوق‌دانان، صرف‌نظر از اعمال مقررات جنگ، کشتن غافلگیرانه تروریست‌ها را عمل ترور می‌دانند که طبق قوانین زمان صلح و نیز قوانین زمان جنگ، غیرقانونی است. در واقع ادعا می‌شود که قتل‌های هدفمند عموماً حق بر حیات و چارچوب حقوقی و الزامات شایسته قانون را نقض می‌کنند، زیرا این اعمال، متضمن کشتن فرد بدون دادرسی عادلانه و محاکمه قضایی است و این امر در اسناد حقوق بشری، ممنوع تلقی شده است. همچنین نباید فراموش کرد که حق حیات از جمله حقوق غیرقابل تعلیق است که در تمامی شرایط از جمله در اوضاع اضطراری می‌بایست رعایت شود. (عزیزی، ۱۳۹۹: ۱۳۸)

استراتژی سازمان ملل متحد در مقابله با تروریسم

الف) قطع‌نامه ۱۳۷۳ و الزام دولت‌ها به حفظ امنیت بین‌المللی

شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ بی‌آن‌که وضعیت خاصی را مورد توجه قرار دهد، قطع‌نامه ۱۳۷۳ را در راستای مبارزه‌ای قاطع با تروریسم و تحقق اهداف مذکور، صادر کرد. این قطع‌نامه تعهدات واحدی را برای تمامی ۱۹۱ کشور عضو ملل متحد ایجاد می‌کند. تعهداتی فراتر از آنچه که در کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های ضد تروریستی وجود دارد و تنها تعداد معدودی از دولت‌ها، عضو آن‌ها می‌باشند، یعنی تعهداتی که نسبت به تمام دولت‌های جهان صرف‌نظر از این‌که عضو کنوانسیون‌های فوق باشند یا نه، الزام‌آور هستند. این موضوع اقدامی بی‌سابقه در رویه شورای امنیت به حساب می‌آید. شورا این قطع‌نامه تعهداتی را که در برخی اسناد مهم بین‌المللی وجود دارد و هنوز لازم‌الاجرا نشده و مورد استقبال جهانی واقع نگردیده مانند کنوانسیون مربوط به سرکوب تأمین مالی تروریسم را برای تمام دولت‌ها مقرر کرده است. (زرنشان، ۱۳۸۶: ۹۶)



شورای امنیت سازمان ملل متحد همچنین در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۵ طی بیانیه‌ای، کمیته ضد تروریسم این شورا را موظف کرد تا همکاری خود با کشورهای عضو در روند مبارزه با تروریسم را افزایش دهد. این امر شامل کمک‌های فنی و یافتن راه‌هایی برای افزایش همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای است. این بیانیه کمیته ضد تروریسم را موظف به ایجاد اداره اجرایی جدیدی می‌کند تا اهداف مورد نظر شورای امنیت سازمان ملل در مبارزه با تروریسم را محقق سازد.

مبنای وجودی کمیته ضد تروریسم، قطع‌نامه ۱۳۷۳ (۲۰۰۱) شورای امنیت بوده و اعضای آن شامل ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌باشند. در مجموع، قطع‌نامه ۱۳۷۳ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در خصوص مبارزه با تروریسم محسوب شده و شرایطی را فراهم می‌آورد که با برخی مفاهیم سنتی سیاست بین‌الملل نظیر حاکمیت و استقلال کشورها در تعارض است. (خیری، دربندی، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۶۲)

بنابر این قطع‌نامه، «الزام کشورها به همکاری و معاضدت با یکدیگر»، «مقابله با تأمین مالی تروریسم»، «عدم پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم» و «جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم»، چهار تکلیف مشترک تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم و سایر اسناد بین‌المللی در زمینه مبارزه با تروریسم است که شورای امنیت آن‌ها را به صورت جهانی در آورد. (زرنشان، ۱۳۸۶: ۹۳)

ب) کنوانسیون ممانعت از بمب‌گذاری تروریستی

از جمله کنوانسیون‌هایی که به‌منظور مقابله با تروریسم تصویب شده‌اند، کنوانسیون بمب‌گذاری تروریستی است که به‌عنوان یک معاهده سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۷ به‌منظور غیرقانونی کردن بمب‌گذاری تروریستی طراحی شده است. با عنایت به قطع‌نامه شماره ۴۹/۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴ که طی آن، مجمع اعلامیه‌ای در خصوص «اقدامات جهت محو تروریسم بین‌المللی» صادر نمود و با عنایت به قطع‌نامه شماره ۵۱/۲۱۰ مورخ ۱۰ دسامبر ۹۶ و با توجه به متن پیش‌نویس کنوانسیون منع بمب‌گذاری تروریستی تهیه شده توسط گروه کاری کمیته ششم و کمیته موقت که به موجب قطع‌نامه ۵۱/۲۰ مورخ ۱۷ دسامبر تشکیل شده بود:

۱. کنوانسیون بین‌المللی، معاهده راجع به منع بمب‌گذاری‌های تروریستی که ضمیمه قطع‌نامه حاضر است را تصویب می‌نماید و بر آن است تا این کنوانسیون را در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک از ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ الی ۳۱ دسامبر ۱۹۹۹ برای امضا مفتوح نگاه دارد.



۲. کنوانسیون مصرانه از تمام کشورها می‌خواهد تا آن را امضا، تصویب، قبول یا تأیید نمایند یا به آن ملحق شوند.

در این بخش به مواد ۱، ۲ و ۸ از این کنوانسیون که با تکیه بر مواد منفجره، مکان عمومی و همچنین وظیفه کشور عضوی که متهم در آن قرار دارد، به تروریستی بودن شهادت محسن فخری زاده اشاره می‌شود:

ماده ۱:

در ماده یک این کنوانسیون به «مواد منفجره دیگر یا ابزار انفجاری مهلک» اشاره می‌شود که به معنای این موارد است:

الف) سلاح یا ابزاری انفجاری یا آتش‌زا که به منظور کشتن یا وارد ساختن جراحت جدی جسمانی یا خسارات عمده مالی، طراحی شده یا دارای چنین قابلیت‌هایی باشد.

ب) سلاح یا ابزاری که به منظور کشتن، ورود جراحت جدی جسمانی یا خسارات عمده مالی از طریق آزاد کردن، انتشار یا تراکم مواد شیمیایی سمی، عوامل بیولوژیکی، سموم یا مواد مشابه، پرتوافکنی یا مواد رادیواکتیویته طراحی شده یا چنین قابلیت‌هایی داشته باشد.

ماده ۲:

در ماده ۲ به شرح زیر، به اماکن عمومی که ارتکاب عمل بمب‌گذاری در آن صورت گرفته اشاره می‌شود:

«یک شخص، مرتکب یکی از جرایم مندرج در مفاد این کنوانسیون می‌گردد، اگر او به‌طور غیرقانونی و از روی عمد ماده منفجره یا دیگر مواد مرگ‌بار را داخل یا مقابل اماکن عام‌المنفعه، وسایل دولتی یا ملی، وسیله حمل‌ونقل عمومی یا وسایل زیربنایی قرار دهد یا (به قصد اهداف زیر) تحویل، مسلح یا منفجر نماید:

الف) به قصد کشتن یا ایراد جراحت شدید جسمانی؛

ب) به قصد تخریب گسترده اماکن، امکانات یا وسایل ذکر شده، جایی که این تخریب، تحقیقاً یا احتمالاً منجر به ورود خسارت عمده اقتصادی گردد.

متعاقب دریافت اطلاعات در خصوص وجود فرد مجرم یا متهم به ارتکاب یکی از جرایم مندرج در ماده ۲ در سرزمین خود، کشور عضو موردنظر بر اساس قوانین داخلی خود، اقدامات ضروری را برای تحقیق در خصوص وقایع مندرج در اطلاعات واصله اتخاذ خواهد کرد.



پس از احراز وضعیت خطرناک، کشور عضوی که مجرم یا متهم در سرزمین آن وجود دارد، براساس قوانین داخلی خود، اقدامات متناسبی را در جهت حصول اطمینان نسبت به موجودیت آن شخص به منظور تعقیب یا استرداد وی اتخاذ می نماید.

زمانی که یک کشور عضو فردی را براساس این ماده بازداشت می نماید، موظف است سریعاً به طور مستقیم یا از طریق دبیرکل سازمان ملل متحد، تمام کشورهای عضو را که مطابق بند ۱ و ۲ ماده ۶ دارای صلاحیت هستند و در صورت مصلحت، هر یک از کشورهای ذی نفع دیگر را نسبت به دستگیری آن شخص و اوضاع و احوال حاکم بر حبس او مطلع سازد. کشوری که تحقیقات موضوع بند ۱ ماده حاضر را انجام می دهد باید بلافاصله اعضای مذکور را از یافته های خود مطلع ساخته و آن ها را از تصمیم خود مبنی بر اعمال صلاحیت آگاه نماید.

ماده ۸:

چنانچه کشور عضوی که متهم در سرزمین آن وجود دارد، آن فرد را، در مواردی که ماده ۶ اعمال می شود، مسترد ننماید، ملزم خواهد بود که موضوع را بی درنگ و بدون هیچ استثنایی و با قطع نظر از این که آیا جرم در قلمرو آن کشور ارتکاب یافته یا نه، جهت تعقیب و انجام کامل مراحل دادرسی طبق قوانین داخلی آن کشور، به مراجع صلاحیت دار ارجاع نماید. مقامات صالحه باید بر اساس همان شیوه ای که در صورت ارتکاب هر جرم دیگر با همان درجه از اهمیت تحت قوانین آن کشور اتخاذ می کردند، تصمیم گیری نمایند. نسخه اصلی این کنوانسیون که به زبان های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسه، روسی و اسپانیایی می باشد، دارای اعتبار یکسان بوده و نزد دبیرکل سازمان ملل متحد توزیع می گردد تا نسبت به ارسال نسخ تأیید شده مربوطه به تمام کشورها اقدام نماید. با تصدیق مراتب فوق، امضاکنندگان زیر که از طرف دولت های متبوع خود مجاز شناخته شده اند، این کنوانسیون را که برای امضا در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک مفتوح می باشد، در تاریخ ۱۲ ژانویه ۱۹۹۸ امضا کرده اند.

ضعف سازوکارهای عملی مقابله با تروریسم

علی رغم انعقاد ده ها کنوانسیون بین المللی و منطقه ای در جهت مقابله با تروریسم، اما تاکنون نتیجه عملی و ملموسی در این راستا مشاهده نشده است. موارد گوناگونی همچون عدم تعریف یکسان از تروریسم، استانداردهای دوگانه حقوق بشری دول اروپایی و آمریکا و تعارض قطع نامه ها با حاکمیت کشورها سبب



شده تا ضعف جدی در جهت مقابله با تروریسم و زمینه‌سازی رشد آن به‌ویژه در قالب تروریسم دولتی صورت گیرد. برخی نقاط ضعف استراتژی مقابله با تروریسم در زیر مورد اشاره قرار می‌گیرند:

۱. سیاست ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای هم‌پیمان، مانع از ارائه تعریفی معین از تروریسم در حوزه حقوق بین‌الملل شده است؛ به گونه‌ای که حتی کوفی عنان، دبیرکل سابق سازمان ملل متحد و ماری رابینسون، کمیسر عالی ملل متحد در امور حقوق بشر، حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر را به‌عنوان جرایم علیه بشریت تعریف کرده‌اند؛ گرچه در مبارزه با این جرایم، لزوم احترام به حقوق بشر را هم مفروض دانسته و از نقض آن به‌شدت انتقاد کرده‌اند. (غمامی، ۱۳۹۵: ۱۷)

۲. حمایت و پشتیبانی برخی دولت‌های غربی از گروه‌های تروریستی و همچنین چشم‌پوشی و سکوت برخی نهادهای بین‌المللی در مقابل آن‌ها، به رغم تصویب کنوانسیون‌ها، قطع‌نامه‌ها و قوانین متعددی در راستای مبارزه با تروریسم که به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد، معیارهای دوگانه برخی از دولت‌های غربی و نهادهای بین‌المللی را در افکار عمومی جهانیان متبادر می‌سازد. عدم توجه به عدالت جهانی و جنایات و کشتار ملت‌های مظلوم به‌خصوص ملت مظلوم فلسطین و دیگر ملت‌های مسلمان مظلوم و آزاده جهان، اهتمام به امور مادی، اقتصادی و تأمین منافع دولت‌ها، گروه‌ها و لابی‌های صهیونیستی و ترس از تهدیدات ظالمانه دولت‌های استکباری چون ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان و شرکای آن‌ها در اروپا و رژیم صهیونیستی، از جمله دلایل این دوگانگی‌های رفتاری است.

اتخاذ رویکرد دوگانه درخصوص مبارزه با تروریسم نه تنها به منزله نقض اصول و قواعد حقوق بین‌الملل و نقض حقوق بنیادین بشری از جمله حق بر حیات، حق بر صلح و حق بر امنیت و... است، بلکه سبب انحراف تلاش‌ها در مبارزه جهانی علیه تروریسم و در نهایت سبب تقویت و رویش بیشتر تروریسم خواهد شد. (<https://www.ima.ir/news/83896182>)

بنابراین، دوگانگی در برخورد با تروریسم، یکی از معضلات بزرگی است که دست کشورها را در انجام اقدامات ضد انسانی به‌ویژه نسل‌کشی باز می‌گذارد. درحالی‌که شورای امنیت سازمان ملل در این مورد، قطع‌نامه ۱۶۲۴ (۲۰۰۵) را صادر کرده که هدف از آن، درخواست از کشورهای عضو برای مخالفت و توقف تبلیغات مخرب و محرک تروریسم و به‌ویژه اقداماتی نظیر نسل‌کشی و فشار همراه با ظلم نسبت به غیرنظامیان است، اما رفتار این شورا در همراهی با رژیم صهیونیستی در جریان جنگ ۳۳ روزه یا اقدامات ضدانسانی صورت گرفته در غزه، کاملاً واضح و مشخص بود. بحث هماهنگ‌سازی



سیاست‌های امنیتی کشورها در بعد امنیت داخلی به‌ویژه یکسان‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی، کمک به کنترل مرزها و انجام اصلاحات هماهنگ در نیروی پلیس که در گزارش «به سوی جهانی امن» به آنان اشاره شده، عملاً دولت‌ها را با اصلاحاتی شالوده‌شکنانه در ساختارهای رسمی خود مواجه می‌سازد که با اصل حاکمیت و صلاحیت نهایی دولت در محیط داخلی مغایر است. (خبیری، دربندی، ۱۳۹۰: ۱۷۶)

استراتژی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به نقض حق حیات و ترور شهید فخری زاده

امروزه حوادث تروریستی، جامعه جهانی را تحت‌الشعاع خود قرار داده و به یک بحران جهانی تبدیل شده، اما تاکنون هیچ‌اجماعی در جهت مقابله با آن به دست نیامده است. سطح وسیع عواقب و آسیب‌های تروریسم که ایران را نیز تحت تأثیر قرار داده، ضرورت بحث درباره مهار این پدیده را آشکار می‌سازد. (صبوری‌پور، علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۲۷)

جمهوری اسلامی ایران در راستای حفظ امنیت ملی و مقابله با تروریسم، به‌خصوص تروریسم دولتی و سازمان‌یافته، باید راهبردهای زیر را در حوزه داخلی و بین‌المللی عملی سازد:

۱. راهبرد حقوقی

در نظام حقوقی ایران به‌رغم تأکید مؤکد بر حقوق انسانی در اصول متعدد و همچنین اصل برائت که بستر تضمین مناسبی را برای صیانت از حقوق بشر و شهروندی فراهم می‌کند، فقدان قانون جامع مبارزه با تروریسم، مانع تأمین اصل قانونی بودن جرم و مجازات و صیانت از نظم عمومی و حفاظت از شهروندان در مقابل تروریست‌ها می‌شود. در واقع دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به این‌که از اهداف اقدامات تروریستی بوده و هست، ناگزیر از تصویب یک قانون ملی مبارزه با تروریسم با بهره‌گیری از تجربیات تطبیقی سایر کشورها و البته حفظ اصول انسانی مندرج در قانون اساسی است. این قانون‌گذاری بر اساس اراده لایحه قضایی، بایستی ضمن درج اختیارات مقتضی مبتنی بر الزامات شرعی و قانون اساسی برای مقامات امنیتی و اطلاعاتی، بر اصول دادرسی منصفانه و عدم اطاله دادرسی اهتمام ورزد. (غمامی، ۱۳۹۵: ۱۰۱-۱۰۰)

۲. راهبرد مبارزه با تأمین مالی تروریسم

یکی از مهم‌ترین ارکان تروریسم که می‌تواند مبنای اعمال اقدامات پیش‌گیرانه قرار گیرد، منابع مالی است. تلاش‌های بین‌المللی برای مبارزه با بزه‌کاری مالی فراملی و تأمین مالی تروریست، به



طرز قابل توجهی در سال‌های اخیر کامل شده‌اند و پیش‌گیری از تروریسم از طریق تأمین مالی، یک مؤلفه بایسته و ضروری در هرگونه مبارزه موفق جهانی با تروریسم محسوب می‌شود. یکی از راه‌کارهای قابل توجه در راه پیش‌گیری از وقوع جرایم، شناسایی تسهیل‌کننده‌های جرم و سپس ارائه راه‌کارهای قابل توجه در راه پیش‌گیری از وقوع جرایم شناسایی تسهیل‌کننده‌های جرم و نیز ارائه راه‌کارهایی در جهت حذف این تسهیل‌کننده‌ها است. با روشن شدن این مسائل، کشورها به سمت مبارزه با تروریسم از طریق خشکاندن منابع مالی رفته و در این راه روش‌های متفاوتی را از جهات مختلف قانون‌گذاری و اجرایی به کار گرفته‌اند.

پیش‌گیری از جرایم پول‌شویی، اعمال کیفرهای مالی و تحریم کشورهای حامی تروریسم نیز از راه‌کارهای غیربانکی هستند که می‌توان بخش عظیمی از منابع مالی تروریستی را با این راه‌کارها از بین برد. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که ایران نیز از هجوم حملات تروریستی در امان نمانده، اعمال این تدابیر پیش‌گیرانه در سیاست‌های داخلی کشور می‌تواند نقش قابل توجهی در موفقیت ایران در مبارزه با تروریسم ایفا کند. (صیوری‌پور، علی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۴۴-۱۳۴)

۳. راهبرد امنیتی ضد نفوذ

یکی از موانع اصلی برای تحقق اهداف راهبردی، نقشه‌ها و برنامه‌های دشمن است. شناخت نقشه‌راه و اهداف راهبردی، امکان شناخت موانعی را که دشمن در آینده ایجاد خواهد کرد، فراهم می‌کند. بنابراین تحلیل‌گران می‌توانند از طریق برنامه‌ریزی و تدبیر، با موانع و مشکلات مواجه شوند. همچنین، شناخت دقیق نقشه‌راه دشمن، امکان هر نوع ابتکار عمل و پیش‌دستی را از دشمن سلب می‌کند و در مقابل، امکان برطرف ساختن نقاط آسیب‌پذیر و نیز مقاومت‌سازی را در اختیار تصمیم‌گیران کشور قرار می‌دهد. مقابله با نفوذ امنیتی از راه آگاهی و هوشیاری، کشف نفوذ امنیتی و هم‌افزایی دستگاه‌های مسئول برای مقابله با نفوذ امنیتی دشمن صورت می‌گیرد. (دوستدار، ذوقی، ۱۳۹۸: ۵۹-۴۰)

بنابراین یکی از راه‌کارهای مقابله جمهوری اسلامی با تروریسم، مقابله با نفوذ در جهت تضعیف تهدیدهای امنیتی می‌باشد. راه‌کارهای ضد نفوذ در بعد سخت‌افزاری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. اشراف اطلاعاتی، کنترل و نظارت بر ارتباطات و تعاملات خارجی اشخاص و دستگاه‌ها؛
۲. مقایسه و تطبیق راهبردهای خرد و کلان تقنینی و اجرایی با سیاست‌های کلی نظام به صورت

مستمر؛



۳. رصد مستمر کیفیت و کمیت ارتباط قوای کشور با یکدیگر؛

۴. نظارت نامحسوس بر انتصاب مسئولان کلیدی و صلاحیت آنان؛

۵. تلاش همه‌جانبه برای کاستن و زدودن کامل فاصله بین مردم با حاکمیت و اقشار و اصناف

مختلف و... (محمدی، مطهری فرد، ۱۳۹۶: ۱۵۱-۱۵۰)

۶. ایجاد چالش در حرکت‌های تروریستی با وسایل ارتباط جمعی.

یکی دیگر از راه‌های مقابله با تروریسم، استفاده کشورهای اسلامی از تبلیغات وسیع علیه جنایتکاران عالم به واسطه وسایل ارتباط جمعی است. در حال حاضر یکی از دلایل افزایش ترور، توسعه وسایل ارتباط جمعی و استفاده گسترده تروریست‌ها از آن برای ایجاد رعب و وحشت میان کشورها و بزرگ‌ترین ابزار آن‌ها برای عملیات‌های وحشیانه و همچنین مشروعیت‌بخشی به اعمال ننگین خود است. برای نمونه در سال ۱۹۵۰م، یک رهبر آزادی‌بخش الجزایر اظهار می‌کند: «ما باید در روزنامه‌ها خون به نمایش بگذاریم.» یا «بومی بومن»، یکی از رهبران جنبش دوم ژوئن می‌گوید: «بدون روزنامه ما در تنهایی هستیم و با روزنامه‌ها ما به اهداف خود می‌رسیم.»

امت اسلامی نیز باید برای دفع چنین تبلیغات مسمومی، با استفاده همه‌جانبه از وسایل ارتباط جمعی و راه‌اندازی شبکه‌های گسترده ماهواره‌ای، ماهیت پلید دولت‌های تروریستی را به جهانیان معرفی کنند و دیگر مجال هیچ‌گونه حرکتی را در سطح جهان به خصوص در کشورهای اسلامی برای آنان باقی نگذاشته و اجماع جهانی را علیه آنان فراهم نمایند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید: «تبلیغات دشمنان به حرف‌های تکراری تبدیل شده است... مقاومت مردم مسلمان را پخش نمی‌کنند و مکتوم می‌دارند، اما مطالبی که بوی ناامیدی می‌دهد را پخش می‌کنند... سعی می‌کنند دل‌ها را بفرینند و حقایق را بدل کنند... رسانه‌های صادق رازیر سؤال می‌برند... این جنگ تبلیغاتی است... تلاش می‌کنند دروغی را به شکل واقعیت جلوه دهند... دستگاه‌های آمریکایی و پیروان آن‌ها یک شگرد تبلیغاتی را دنبال می‌کنند. (هابیلیان، ۱۳۸۶)

۴. اقدام متقابل

اقدام متقابل به‌عنوان یکی از علل رافع وصف متخلفانه بودن فعل شناخته می‌شود و به معنی اقدام یک‌جانبه کشور آسیب‌دیده در پاسخ به نقض حقوقش در اثر عمل متخلفانه دولتی دیگر است و با هدف وادار کردن دولت متخلف به توقف یا جبران خسارت در برابر دولت آسیب‌دیده به کار گرفته می‌شود. اقدام متقابل تنها در برابر یک اقدام متخلفانه امکان‌پذیر است.



مطابق ماده ۵۰ بند ۱ (الف) پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، اقدام متقابل نمی‌تواند ناقض قاعده آمره منع توسل به زور باشد. بدین معنی که دولت‌ها نباید و نمی‌توانند هنگام اقدام متقابل، از زور نظامی استفاده کنند. همچنین اقدام متقابل باید با شدت اقدام متخلفانه پیشین تناسب داشته و برای واداشتن دولت متخلف به انجام تعهدات بین‌المللی خود و توقف نقض آن‌ها، ضرورت داشته باشد. (مشهدی، رشیدی، ۱۳۹۹: ۷۱)



نتیجه گیری

ترور به عنوان یک عمل مجرمانه، ناقض حق حیات و تعدی به حقوق بشر شناخته می شود. در این میان قدرت های بزرگ در راستای تحقق منافع خود، راهبردهای گوناگونی را از جمله بهره گیری از تروریسم دولتی و سازمان یافته و همچنین ظرفیت گروه های تروریستی اعمال می کنند. جمهوری اسلامی ایران به دلیل تفاوت ماهوی در اصول و مبانی نظام خود پس از انقلاب، با اقدامات ضد امنیتی گوناگونی از قبیل ترور مردم عادی و مسئولین مواجه بوده است. طی چند سال اخیر، با توجه به پیشرفت ایران در برنامه های هسته ای و موشکی، آمریکا و اسرائیل از طریق راهبرد سخت با ترور دانشمندان هسته ای در جهت تضعیف ایران گام برداشته اند. ترور محسن فخری زاده، دانشمند هسته ای و مدیر ارشد جمهوری اسلامی، آخرین اقدام از جرایم تروریسم دولتی است که باید اقدامات مقابله ای را دستگاه های رسمی دولتی، حقوقی و نظامی کشور انجام دهند.

«طرح دعوی در دادگاه های بین المللی، اقدام متقابل، اشراف اطلاعاتی و مقابله با نفوذ در دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی، پیش گیری از جرایم پول شویی، اعمال کیفرهای مالی و تحریم کشورهای حامی تروریسم و ایجاد چالش در حرکت های تروریستی از طریق وسایل ارتباط جمعی»، از جمله راه کارهایی است که جمهوری اسلامی باید در جهت مقابله با تروریسم و حفظ امنیت ملی عملی سازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. باقری، شهلا؛ ملک‌شاه، آرزو (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی حق حیات زن از دیدگاه اسلام و غرب با تأکید بر اسناد بین‌المللی»، پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره ۲.
۲. توکلی محمدی، مرتضی؛ مطهری‌فرد، مرتضی (۱۳۹۶)، «هندسه نفوذ سیاسی و تأثیر تهدیدهای آن بر امنیت ملی با تأکید بر رهنمودهای رهبری»، پژوهش‌نامه سیاست اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۲.
۳. خبیری، کابک؛ دربندی، مارال (۱۳۹۰)، «حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم»، فصل‌نامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۱۶.
۴. دوستدار، رضا؛ ذوقی، صفی‌اله (۱۳۹۸)، «بررسی مفهوم «نفوذ» در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای»، فصل‌نامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال شانزدهم، شماره ۴۹.
۵. رشیدی، مهناز؛ مشهدی، علی (۱۳۹۹)، «مهم‌ترین راه‌کارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار قاسم سلیمانی»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره ۲.
۶. زررنگان، شهرام (۱۳۸۶)، «شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم»، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۶.
۷. سمیعی اصفهانی، علی‌رضا؛ سالکی، عبدالکریم (۱۳۹۴)، «ترور، تروریسم و تروریسم دولتی»، فصل‌نامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۹۹.
۸. صبورپور، مهدی؛ علی‌پور، شیما (۱۳۹۷)، «پیش‌گیری از تروریسم از طریق مبارزه با تأمین منابع مالی»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۴.
۹. عزیزی، ستار (۱۳۹۹)، «قتل هدفمند از نگاه حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایالات متحده آمریکا: مطالعه موردی ترور سردار سلیمانی»، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هفتم، شماره ۲.
۱۰. فیرحی، داوود؛ ظهیری، صمد (۱۳۸۷)، «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۳.
۱۱. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد؛ قبادی، مرضیه (۱۳۹۷)، «بررسی رابطه میان تروریسم و حق حیات در پرتو رویه قضایی بین‌المللی»، فصل‌نامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۶.
۱۲. محمدی الموتی، محسن؛ جلالی، محمود؛ شوشتری، مهدی (۱۳۹۶)، «حق حیات و سلب آن از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل بشر با تأکید بر عملیات انتحاری»، دو فصل‌نامه انسان‌پژوهی دینی، سال چهاردهم، شماره ۳۷.
۱۳. مطلبی، مسعود؛ آرایش، حسن؛ رحیمی عماد، سیدرضا (۱۳۹۵)، «تروریسم از منظر بنیادگرایان اسلامی



رادیكال و فقه سیاسی شیعه؛ با نگاهی به عملیات‌های استشهادی»، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۴.

۱۴. <https://www.habilian.ir/news/1386>، «زمینه‌ها و راه‌کارهای مقابله با تروریسم در جهان».

15. <https://www.irna.ir/news/83896182/>





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی